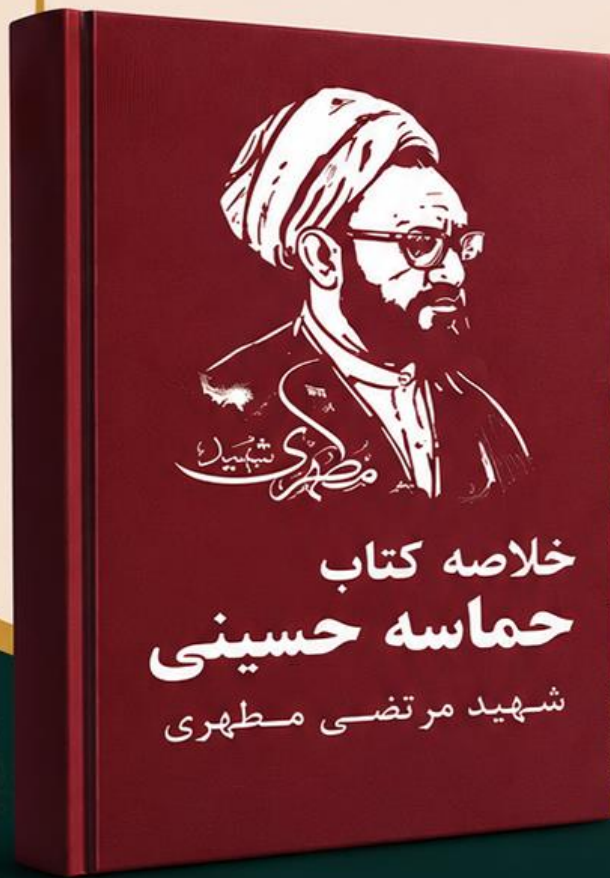


خلاصه کتاب

حماسه حسینی

شهید مرتضی مطهری



خلاصه‌ای جامع و دقیق از کتاب حماسه حسینی
برای مطالعه سریع و بهره‌مندی بیشتر



- تذکر: این خلاصه کتاب، توسط هوشمصنوعی ایجاد شده است.

فصل اول: حماسه حسینی

پیش‌درآمدی بر مفهوم حماسه

حماسه در اصل به معنای شدت، صلابت، شجاعت و غیرت است و به هر سخن یا حادثه‌ای که روح را تحریک کند و مخاطب را از رخوت و سستی برهاند، اطلاق می‌شود. شخصیت‌ها نیز می‌توانند روحیه‌ای حماسی داشته باشند.

دو چهره حادثه کربلا

این واقعه دو صفحه کاملاً متفاوت دارد:

صفحه تاریک و جنایی شامل کشتار بی‌گناهان، اسب‌دوانی بر پیکر شهدا، بستن آب، آتش زدن خیمه‌ها و اسیر کردن زنان و کودکان است. در این نگاه، حسین (ع) مظلومی بی‌دست‌وپا و قربانی جنایتکاران است و تنها گریه و مرثیه بر او به یاد می‌آید.

صفحه نورانی و حماسی اما حسین (ع) و یاران باوفایش چون عباس و زینب را قهرمانان داستان معرفی می‌کند. اینجا نمایش عظمت انسانیت، حق‌خواهی، شجاعت و ایثار است. حسین (ع) در اوج تنهایی، نه به ذلت تن می‌دهد و نه خواهش می‌کند؛ یارانش را «به‌ترین یاران جهان» می‌خواند و تسلیم قضای الهی می‌شود.

متأسفانه در تاریخ بر صفحه سیاه تأکید شده و صفحه روشن نادیده گرفته شده، حال آنکه جنبه حماسی بسیار پررنگ‌تر است. این یکجانبه‌نگری، تحریفی است که هدف والای قیام را فراموش می‌کند. حسین (ع) برای «اصلاح امت جدّ خود» قیام کرد، نه برای گناه‌زدایی از امت. گریه بر قهرمان، غیرت، شجاعت و عزت‌نفس را در ما زنده می‌کند، بر خلاف گریه بر مظلوم بی‌دست‌وپا. از این منظر، شهادت حسین (ع) از نظر فردی پیروزی بود، اما از نظر اجتماعی آینه انحطاط جامعه اسلامی شد که باید به یاد داشت تا تکرار نشود.

نَهضت حسینی، حماسه‌ای مقدس

حماسه حسینی با سایر حماسه‌های شخصی، خودخواهانه و قومی (مانند اسکندر و ناپلئون) تفاوت بنیادین دارد. این حماسه، حماسه انسانیت است، نه قومیت؛ برای همه بشریت و همه دوران‌ها قیام کرد تا حق و حقیقت را زنده کند. این ویژگی «حماسه مقدس» است که در آن روح فقط حق را می‌بیند و همه چیز را فدا می‌کند.

تقدس این نهضت ریشه در سه عامل دارد:

۱. فضای تاریک و خفقان بنی‌امیه که با جعل حدیث، ترس و ارعاب، همه راه‌های اصلاح را بسته بود.
 ۲. بینش فراتر از زمان حسین (ع) که می‌دانست قیامش آینده را زیر و رو خواهد کرد، بر خلاف نظر دیگر بزرگان.
 ۳. عظمت روح او که تن را به زحمت می‌افکند و او را به فداکاری در راه هدف‌های الهی می‌کشاند.
- شهید واقعی کسی است که با روح بزرگ، تاریکی‌ها را بزدايد و راه را برای تعالی بشریت باز کند. کلید شخصیت حسین (ع) «حماسه» است: شور، صلابت، ایستادگی و حق‌پرستی. سخنان او چون «مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت» و «آزادمرد باشید و خودفروش نباشید» و رهایی یارانش در شب عاشورا از بیعت، همه گویای این روح حماسی است.

نَهضت حسینی، عامل شخصیت‌یافتن جامعه اسلامی

اگر شهادت حسین (ع) صرفاً یک مصیبت بود، هرگز چنین آثار عظیمی نمی‌داشت. راز تأثیر آن در حماسه بودن است که در جان‌ها موج و غیرت ایجاد می‌کند. این قیام به جامعه اسلامی شخصیت بخشید که بزرگ‌ترین سرمایه هر جامعه است. بنی‌امیه با ایجاد وحشت و شکنجه، شخصیت مسلمین را کوبیده بودند (چنانکه کوفیان با شنیدن نام ابن‌زبیر، امام را تنها گذاشتند). اما حسین (ع) با درس‌های استغنا، غیرت، صبر و ریختن ترس، روح تازه‌ای به جامعه دمید.

نتیجه این تحول، سه سال بعد با قیام پنج هزار توبه‌کار در کوفه برای انتقام خون او ظاهر شد. زینب (س) بهترین نماد این شخصیت‌یابی است که پس از عاشورا، با صلابت در مجلس یزید فرمود: «نام ما هرگز محو نخواهد شد؛ آن که محو می‌شود، تو هستی» و یزید را به تغییر رفتار واداشت.

حیات یک ملت نه به ثروت و دانش، بلکه به احساس شخصیت و منش و پایبندی به اصول است. این پیام خون حسین (ع) به جامعه اسلامی است و امروز بزرگ‌ترین نیاز ما، بازخوانی این حماسه برای ایستادگی در برابر ظلم و ذلت است. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به چیزی فرا می‌خواند که به شما حیات می‌بخشد.» این حیات، حیات حماسی و با عزت است.

فصل دوم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا

مفهوم و انواع تحریف

تحریف یعنی منحرف کردن مطلب از مسیر حقیقی خود که به دو شکل رخ می‌دهد:

تحریف لفظی: تغییر در ظاهر سخن با کم و زیاد کردن کلمات یا جابه‌جایی جمله‌ها.

تحریف معنوی (خطرناک‌تر): تغییر تفسیر بدون تغییر لفظ، که باطن سخن را وارونه می‌کند.

تحریف در موضوعات بزرگ اجتماعی چون کربلا که پشتوانه اخلاق و تربیت جامعه است، بسیار خطرناک است. متأسفانه عاشورا هم دچار تحریف لفظی و هم معنوی شده؛ برخی تحریفات با اصل واقعه هماهنگی دارند، اما برخی چنان واقعه را مسخ کرده‌اند که تصویری وارونه ارائه می‌دهند. این تحریفات همگی در جهت پایین آوردن سطح قضیه و بی‌اثر کردن آن بوده‌اند.

مسئولیت مردم در برابر تحریفات

مردم دو مسئولیت بزرگ دارند:

۱. نهی از منکر: نشستن در مجلس دروغ حرام است و باید با آن مبارزه کرد.
۲. انتظار نادرست از مجلس: بسیاری مجلس روضه را به شرط اشک‌آور بودن می‌پسندند که خود بزرگ‌ترین عامل تولید دروغ است. باید روضه راست را شنید؛ اشکی که با قضایای ساختگی جاری شود، بی‌ارزش است.

نمونه‌هایی از تحریفات لفظی در حادثه کربلا

۱. داستان تشنگی امام حسین در خطبه پدر

برخی روایت می‌کنند که امام علی (ع) بر منبر بود و حسین (ع) کودکی فریاد زد: «تشنمه!» و ابوالفضل برایش آب آورد و علی (ع) گریست و فرمود: «خاطره کربلا زنده شد.»

تحریف است؛ زیرا در زمان خلافت علی (ع) در کوفه، امام حسین (ع) حدود ۳۳ سال داشت و ابوالفضل نوجوانی ۱۵ ساله بود. این داستان شأن امام را تا سطحی بسیار پایین‌تر از انسان معمولی تنزل می‌دهد.

۲. توصیف اشرافی حرکت امام از مکه

نقل می‌کنند امام بر کرسی‌های زرّین و محمل‌های حریر از مکه خارج شد، در حالی که امام آیه «فَاخْرَجَ مِنْهَا خَائِفًا» (خروج موسی در حال ترس) را تلاوت می‌کرد و کاروانی بسیار ساده داشت. عظمت حسین (ع) هرگز به تشریفات نبود.

۳. داستان لیلی، مادر علی اکبر

هیچ مورخی حضور لیلی را در کربلا تأیید نکرده، اما روضه‌هایی از دعای او برای فرزندش ساخته‌اند. در حالی که امام در روز عاشورا به علی اکبر اجازه میدان داد، اما این داستان با منطق جانبازی امام هماهنگ نیست. حتی شعر «مجنون عامری» درباره معشوقش لیلی و سرزمین «طفّ» را به لیلی مادر علی اکبر نسبت داده‌اند!

۴. داستان عروسی قاسم

برخی نقل می‌کنند امام در روز عاشورا دستور داد «حجّله عروسی» قاسم با دخترش را راه بیندازند، در حالی که در آن روز حتی مجال نماز خوف هم نبود. قاسم نوجوانی ۱۳ ساله بود و این داستان را نخستین بار «ملاحسین کاشفی» در «روضه الشهداء» آورده، اما در منابع معتبر تاریخی نیامده است. در تاریخ آمده که در شب عاشورا، قاسم پرسید: «آیا من هم کشته می‌شوم؟» و در پاسخ امام که طعم مرگ را پرسید، گفت: «از عسل شیرین تر است.» این روحیه قاسم است، نه آرزوی دامادی.

۵. اعداد و ارقام افسانه‌ای

برخی نوشته‌اند لشکر عمر سعد یک میلیون و ششصد هزار نفر بود، یا امام سیصد هزار نفر را کشت. محاسبه ساده نشان می‌دهد کشتن سیصد هزار نفر با شمشیر بیش از ۸۰ ساعت وقت نیاز دارد، در حالی که روز عاشورا حتی ۷۰ ساعت نبوده است! این اعداد، حادثه را از باورپذیری خارج و به تمسخر دشمنان دامن می‌زنند.

۶. موضوع اربعین و بازگشت اسرا

روضه‌ای رایج می‌گوید اسرای کربلا در بازگشت از شام به کربلا آمدند و با جابر ملاقات کردند، در حالی که این مطلب جز در کتاب «لهوف» (که خود سید بن طاووس آن را تکذیب کرده) در هیچ منبعی نیست و از نظر عقلی، راه شام به مدینه از کربلا نمی‌گذرد. اربعین، روز زیارت امام است، نه روز آمدن اهل بیت.

غنیای تاریخی حادثه کربلا

متأسفانه با وجود اینکه کربلا یکی از غنی‌ترین وقایع تاریخی از نظر منابع معتبر است (با خطبه‌های فراوان، سؤال و جواب‌های متعدد، رجزها و نامه‌های مبادله‌شده)، چهره تابناک آن مخدوش شده است. امام حسین (ع) اگر امروز آنچه به نام او ساخته‌اند ببیند، چه خواهد گفت؟ آن قاسم، علی‌اکبر و یارانی که ما ساخته‌ایم، یاران واقعی او نیستند.

زیبایی حقیقت

در تاریخ معتبر، امام در شب عاشورا به یارانش فرمود: «شما آزادید، بروید» و فرمود: «از شما راضی‌ام، بهتر از شما یارانی نمی‌شناسم.» اما یاران یک‌صدا پاسخ دادند: «ای کاش هفتاد بار جانم را فدای تو می‌کردم.»

قاسم بن الحسن، آن نوجوان ۱۳ ساله، در شب عاشورا چنین گفت و در روز عاشورا چنان جان داد که امام پس از شهادتش، با دیدن بند کفش باز او، فرمود: «بر عموی تو سخت است که تو بخوانی و نتواند یاری‌ات کند.»

این است زیبایی حقیقت؛ آن قهرمانانی که جوهره انسانیت و مصداق «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» هستند، نه آنچه با دروغ ساخته‌ایم.

فصل دوم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا (بخش دوم) – عوامل تحریف

سه عامل اصلی تحریف

۱. اغراض دشمنان

دشمنان از ابتدا کوشیدند نهضت را فسادانگیزی و تفریق کلمه معرفی کنند (چنانکه یزید به ابن‌زیاد نوشت هدف مسلم بن عقیل ایجاد اختلاف است). اما این تحریف در تاریخ اثر نکرد و هیچ مورخی قیام حسین (ع) را به این اتهامات متهم نکرده است. آنچه باعث تحریف شد، به دست دوستان و شیفتگان خود آن حضرت بود.

۲. تمایل بشر به اسطوره‌سازی

حس قهرمان‌پرستی باعث شده درباره شخصیت‌های بزرگ، داستان‌های افسانه‌وار خلق شود. درباره بوعلی سینا و شیخ بهائی نیز افسانه‌هایی ساخته‌اند، اما وقتی درباره شخصیت‌های پیشوا و الگو مطرح شوند، بسیار خطرناک است.

نمونه‌ها:

- درباره حضرت علی (ع) افسانه‌هایی چون قرار گرفتن جبرئیل زیر شمشیر یا بریدن سر مرحب پیش از آنکه متوجه شود.
- درباره حضرت ابوالفضل نقل کرده‌اند که ۸۰ نفر را پشت سر هم به هوا پرتاب کرد.
- اعداد افسانه‌ای چون یک میلیون و ششصد هزار سرباز برای لشکر عمر سعد، در حالی که جمعیت کوفه به صد هزار هم نمی‌رسید.

این افسانه‌ها، حادثه را از باورپذیری خارج و به تمسخر دشمنان دامن می‌زنند. وظیفه ما بیرون آوردن این سند مقدس از چنگ افسانه‌پردازان است.

۳. توهم «هدف، وسیله را مباح می‌کند» (مهم‌ترین عامل اختصاصی عاشورا)

این تفکر که ریشه در مکتب ماکیاولی دارد، برخی را به این نتیجه رساند که چون گریستن بر امام حسین (ع) ثواب دارد، می‌توان از هر وسیله‌ای (دروغ، جعل، تحریف) برای آن استفاده کرد. پیشوایان دین دستور دادند نام حسین و مصیبت او زنده بماند تا مکتب او به‌عنوان نمونه عملی قیام‌های اصلاحی باقی بماند، اما برخی فلسفه آن را درک نکردند و گمان کردند هدف صرفاً گریستن است.

نمونه‌های تلخ:

- واعظی که برای گریاندن مردم، داستانی کاملاً جعلی ساخت و بعد از چند ساعت آن را در مجلس دیگر شنید و دید که در کتاب‌ها چاپ شده است.

- واعظی در روستای خراسان که چراغ‌ها را خاموش می‌کرد و با سنگ به سر مستمعین می‌زد تا اشک بریزند!

مرحوم حاجی نوری در کتاب «لؤلؤ و مرجان» به شدت با این تفکر مبارزه کرد و گفت: اگر هدف وسیله را مباح کند، می‌توان با غیبت یا رابطه نامشروع نیز مؤمن را خوشحال کرد! این طرز تفکر، خلاف هدف امام حسین (ع) است که شهید شد تا قوانین اسلامی زنده شود، نه اینکه بهانه‌ای برای پایمال کردن آن قوانین باشد.

روضه‌الشهداء و روضه‌خوانی؛ نقطه عطف تحریف

حدود پانصد سال پیش، کتاب «روضه‌الشهداء» اثر ملاحسین کاشفی (واعظی که خود را شیعه و سنی نشان می‌داد) به فارسی نوشته شد و داستان‌های ساختگی و اسامی جعلی زیادی وارد کرد. پیش از آن، مردم به منابع معتبری چون ارشاد شیخ مفید، تاریخ طبری، ابن‌اثیر مراجعه می‌کردند، اما پس از انتشار این کتاب، روضه‌خوانان بی‌سواد که به منابع عربی دسترسی نداشتند، آن را دست‌مایه قرار دادند و از همین زمان است که مجالس عزاداری، «روضه‌خوانی» نام گرفت. بعدها ملا‌آقای دربندی با کتاب «اسرارالشهادة» افسانه‌ها را تشدید کرد. حاجی نوری گفت: «اگر کسی امروز بر امام حسین گریه می‌کند، باید بر این مصیبت‌های تازه (دروغ‌ها) گریه کند، نه بر شمشیرها و نیزه‌ها».

غناى تاريخى حادثه كربلا و تأسف بزرگ

با وجود اينکه كربلا يکى از غنى‌ترين وقايع تاريخى با منابع معتبر است (خطبه‌ها، سؤال و جواب‌ها، رجزها، نامه‌ها، شاهدان عيني چون عقبه بن سمعان و حميد بن مسلم، و امام سجاد (ع) که جزئيات را نقل کرده)، چرا بايد به داستان‌هاى افسانه‌اى پناه ببريم؟

عظمت حقيقت: ابوالفضل (ع)

او «ماه بنى هاشم»، بلندقامت و بى‌نهایت شجاع بود. روز عاشورا، پس از شهادت ديگران، براى آوردن آب به سوى فرات رفت، مشک را پر کرد، در نبرد دست راست و چپش قطع شد، مشک را به دوش گرفت، تيرى به مشک خورد و آب ريخت و عمود آهنين بر فرقش فرود آمد.

مادرش ام‌البنين در مدينه چنان مرثيه‌اى جانسوز سرود که حتى مروان حکم نيز اشک ريخت: «آيا راست است بر سر فرزند عزيزم، پس از بريده شدن دستانش، عمود آهنين فرود آمد؟»

اين حقيقت، چنان باشکوه است که نياز به هيچ افسانه‌سازى ندارد.

جمع‌بندي

سه عامل تحريف:

۱. اغراض دشمنان (که اثر نکرد).
۲. اسطوره‌سازى (که چهره واقعى را در هاله باورناپذيرى فرو برد).
۳. توهم هدف وسيله را مباح مى‌کند (که بزرگ‌ترين عامل جعل و تحريف شد).

وظيفه ما توبه از اين خيانت‌ها و بازگشت به منابع معتبر است تا از اين مکتب زنده، درس‌هاى ايستادگى، شجاعت، حق‌خواهى، عزت‌نفس و شخصيت‌يابى را بياموزيم، نه افسانه‌هاىى که آبروى آن را مى‌برند.

فصل دوم: تحریفات در واقعه تاریخی کربلا (بخش سوم) - تحریف معنوی، فلسفه عزاداری و وظایف ما

تحریف معنوی چیست؟

تحریف معنوی خطرناک‌ترین نوع تحریف است که در آن لفظ تغییری نمی‌کند، اما تفسیر و توجیه چنان دگرگون می‌شود که هدف اصلی وارونه جلوه می‌کند. نمونه تاریخی: معاویه درباره حدیث پیامبر (ص) که فرمود «عمار را گروه سرکش می‌کشد»، گفت: «عمار را ما نکشتیم؛ علی او را کشت چون به میدان آورد!» یعنی جمله را خلاف مقصود اصلی تفسیر کرد.

تحریف معنوی هدف امام حسین (ع)

دو تحریف معنوی بزرگ، هدف والای نهضت را دگرگون کرده است:

۱. «حسین برای کفاره گناهان امت کشته شد»

برخی گفتند امام حسین (ع) با خون خود کفاره گناهان امت شد. این تفکر ریشه در عقاید مسیحیت (فادیه) دارد و با روح اسلام و سخنان خود امام تناقض دارد. امام فرمود: «برای اصلاح در امت جدم قیام کردم، نه برای خوشگذرانی و فساد.» هدف او احیای دین و مبارزه با مفاسد بود، نه آنکه شرکت بیمه گناه شود. این تحریف، نهضت را از حرکت اصلاحی تهی می‌کند و بزرگ‌ترین تهمت به ساحت اباعبدالله است.

۲. «قیام حسین یک دستور خصوصی بود»

برخی گفتند حسین (ع) دستور خصوصی از خدا داشت که مربوط به ما نیست و قابل پیروی نیست. این تحریف، نهضت را از حالت مکتب عملی همگانی خارج و به ماجرای شخصی تبدیل می‌کند، در حالی که امام فرمود: «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود؟ پس سزاوار است مؤمن به دیدار خدا مشتاق باشد.» این یک دستور عمومی برای همه مؤمنان است، نه رخصت خصوصی.

فلسفه دستور ائمه (ع) برای زنده‌نگهداشتن عاشورا

تفسیر تحریف‌شده: «برای تسلی خاطر حضرت زهرا (س)»

برخی گفتند ائمه دستور دادند مردم گریه کنند تا حضرت زهرا (س) در بهشت تسلی خاطر پیدا کند! این توهین به مقام اوست؛ آیا بانوی بزرگ اسلام پس از ۱۴۰۰ سال به تسلیت مردم زمینی نیاز دارد؟ این تفکر، دین را تحقیر می‌کند.

تفسیر درست: «حسین یک مکتب عملی است»

هدف اصلی این است که مکتب حسینی به‌عنوان نمونه عملی از ایثار، توحید، صبر، عزت‌نفس، آزادی و عدالت‌خواهی، همیشه زنده بماند. فلسفه امام، الگو و سرمشق بودن است. این دستور برای آن است که:

- پرتو روح حسین (ع) در روح ما بتابد.
- درس حماسه، غیرت و توحید بیاموزیم.
- ببینیم حسین (ع) تمام داشته‌های مادی را از دست داد، اما یک ذره از ایمان نکاست.
- گریه از سر معرفت ارزشمند است، اما اشک برای «نفله شدن خون حسین» توهین‌آمیز است؛ او با خون خود بزرگ‌ترین مکتب انسان‌سازی را بنیان نهاد.

قدرت روحی و عظمت عملی امام حسین (ع)

- در روز عاشورا، وقتی همه یاران شهید شدند، امام به میدان رفت. دشمن از جنگ با او وحشت داشت؛ عمر سعد فریاد زد: «با پسر کشنده عرب نجنگید!»
- امام نقطه‌ای مرکزی انتخاب کرد که هم به خیمه نزدیک بود و هم صدایش به گوش اهل بیت می‌رسید.
- پس از شهادت، اسب خون‌آلود با زین واژگون به خیمه بازگشت و سکینه (س) نوحه سر داد: «ای اسب پدر! آیا مولایت سیراب شد یا تشنه کشته شد؟»
- حمید بن مسلم (وقایع‌نگار دشمن) گفت: هرچه شهادت نزدیک‌تر می‌شد، چهره امام برافروخته‌تر می‌گردید؛ گویی به وصال محبوب نزدیک می‌شود.

خطر تحریف و وظایف ما

تحریف، ضربتی غیرمستقیم و کاری‌تر از ضربت مستقیم است که دین را از درون می‌خورد. آفت اصلی توسط دو گروه رخ می‌دهد: فقیه فاجر (عالم بدعمل) و مقدس نادان.

نمونه تلخ: ما ایرانی‌ها لقب «بیمار» را به امام سجاد (ع) نسبت داده‌ایم، در حالی که ایشان جز در ایام بیماری عاشورا (که به خواست الهی موجب نجاتشان شد)، هرگز بیمار نبودند و ۴۰ سال سالم زیستند. این القاب، چهره امام را مشوه کرده و برخی او را نماد «پاکی بی‌عرضه» می‌دانند و حضرت عباس (ع) را برتر می‌شمارند! این نتیجه خطرناک تحریف حتی یک صفت است.

وظایف علمای امت:

۱. مبارزه با نقاط ضعف مردم (علاقه به ازدحام و شورهای ساختگی)، نه بهره‌برداری از آن‌ها.
۲. افشای دروغ‌گوینان، هرچند بزرگ باشند؛ جرح (تضعیف) کسانی چون کاشفی (روضه‌الشهداء) و دربندی (اسرارالشهادة) برای حفظ حقیقت، واجب است.
۳. برخورد با «هدف وسیله را مباح می‌کند»؛ هیچ هدف مقدسی دروغ و جعل را توجیه نمی‌کند.

وظایف مردم عوام:

۱. استفاده از فطرت خدادادی برای تشخیص تحریفات (مثلاً داستان دزدی که گرد زوار بر لباسش نشست و جهنم او را نپذیرفت، با عقل و دین تناقض دارد).
۲. نهی از منکر و ترک مجالس دروغ.
۳. اصلاح انتظار نادرست؛ روضه راست بشنوند، نه مجلس‌گیری به هر قیمتی.

جمع‌بندی نهایی

تحریف معنوی از لفظی خطرناک‌تر است و هدف اصیل نهضت (اصلاح امت و احیای دین) را به کفاره گناهان و دستور خصوصی تبدیل کرده است. فلسفه زنده‌نگهداشتن عاشورا، تسلی دادن به بانوی بهشتی نیست، بلکه آشنایی با مکتبی است که توحید، ایثار، آزادی و عدالت‌خواهی را می‌آموزد.

رسالت ما مبارزه با تحریفات، پاک‌سازی چهره تابناک شخصیت‌ها و آموختن درس انسانیت و حماسه از این سند بزرگ تاریخی است. بیاییم از این خیانت‌ها توبه کنیم و به حقایق روشن تاریخ و مکتب انسان‌ساز حسینی پایبند باشیم؛ مکتبی که سنگر عمل صالح است، نه سنگر گناه‌کاری.

فصل سوم: نهضت چندماهیتی حسینی

آیا قیام حسینی یک انفجار بود؟

قیام امام حسین (ع) انفجاری کور و ناآگاهانه نبود، بلکه حرکتی آگاهانه، مبتنی بر انتخاب آزادانه و همراه با بینش بود. امام در تمام مراحل، یاران خود را آزاد گذاشت و بارها فرمود: «اینجا آب و نانی نیست، قضیه خطر دارد.» در شب عاشورا، با صراحت گفت: «بیعت را از دوش شما برداشتم؛ اگر می‌خواهید بروید، از تاریکی شب استفاده کنید.» این رفتار، نقطه‌ی مقابل فرماندهانی چون طارق بن زیاد است که با آتش زدن کشتی‌ها، راه فرار را می‌بستند. این آزادی، ارزش شهادت یاران را دوچندان کرد و قیام را انقلابی آگاهانه معرفی نمود.

نهضت چندبعدی (چندماهیتی)

پدیده‌های اجتماعی می‌توانند چندبعدی باشند. قیام امام حسین (ع) سه عامل متمایز و مستقل دارد که هر کدام ماهیتی خاص به آن بخشیده است:

۱. عامل تقاضای بیعت (ماهیت دفاعی)

معاویه و سپس یزید از امام خواستند بیعت کند؛ بیعتی که تأیید سلطنت موروثی و سنت غلط تعیین خلیفه توسط خلیفه‌ی پیشین بود. در اینجا، ماهیت قیام، دفاعی است؛ امام در مقابل این تقاضای نامشروع می‌ایستد و پاسخ قاطع «نه» می‌دهد. این «نه» مصداق تقواست؛ پرهیز از آلوده شدن به ننگ بیعت با یزید. حتی اگر به کوهستان یمن می‌رفت، از عهده این وظیفه برآمده بود، زیرا بیعت نکرده بود. این عامل از دو عامل دیگر پیش‌تر است و امام فرمود: «بیعت نمی‌کنم، ولو در تمام زمین نقطه‌ای برای زندگی من باقی نماند.»

۲. عامل دعوت مردم کوفه (ماهیت تعاونی)

حدود ۱۸ هزار نامه (با امضاهای متعدد تا صد هزار نفر) از کوفیان به امام رسید و او را برای رهبری دعوت کردند. در اینجا، ماهیت قیام، تعاونی و مبتنی بر همکاری است؛ امام باید به این دعوت گسترده پاسخ مثبت می‌داد، در غیر این صورت تاریخ او را ملامت می‌کرد. اما ارزش این عامل در مقایسه با دو عامل دیگر کم‌اهمیت‌تر است؛ امام از ابتدا کوفیان را سست‌عنصر می‌دانست. برخی (مانند نویسنده «شهید جاوید») به این عامل ارزشی بیش از حد داده‌اند که اشتباه است.

۳. عامل امر به معروف و نهی از منکر (ماهیت هجومی و انقلابی)

مهم‌ترین عامل، وظیفه‌ی الهی امر به معروف و نهی از منکر است. امام در وصیت‌نامه به محمد حنفیه فرمود: «برای اصلاح در امت جدم قیام کردم؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم.» در اینجا، ماهیت قیام هجومی و انقلابی است؛ امام مهاجم به حکومت فاسد است، نه فقط مدافع یا متعاون. وقتی خبر شکست کوفه رسید، امام شورانگیزترین خطبه‌ها را ایراد کرد و فرمود این نهضت برای کوفه نبود؛ وظیفه‌ای بزرگ‌تر بر عهده داشت.

منطق شهید؛ تفاوت مدافع، متعاون و مهاجم

- منطق مدافع (عامل بیعت): حفظ شرافت، حتی با کشتی‌گیری با دزد.
- منطق متعاون (عامل کوفه): یاری دعوت‌کنندگان تا وقتی بر عهد خود باقی‌اند.
- منطق مهاجم و شهید (عامل امر به معروف): حمله به دشمن و ثبت پیام بر صفحه دل‌ها، حتی به قیمت شهادت.

امام پیام خود را بر صفحه لرزان هوا و با خون رنگین کرد و بر دل‌ها نقش بست: «مردن با عزت، از زندگی با ذلت بهتر است.»

ارزش هر یک از عوامل؛ حسین (ع) مایه‌ی افتخار «امر به معروف»

- عامل دعوت کوفه: کم‌ارزش‌ترین.

- عامل تقاضای بیعت: ارزشی بالاتر.

- عامل امر به معروف: والاترین و ارزشمندترین.

امام حسین (ع) نه تنها از این اصل ارزش گرفت، بلکه به آن ارزش افزود؛ چنانکه صعصعه به امیرالمؤمنین گفت: «تو به خلافت زینت بخشیدی، نه خلافت به تو.» امروز امر به معروف در برخی جاها به امور سطحی تقلیل یافته، اما عمل حسین (ع) نشان داد که شامل مبارزه با بزرگ‌ترین منکر (حکومت ستمگر) نیز می‌شود. او فرمود: «امام باید عامل به کتاب خدا و برپادارنده عدالت باشد.»

جمع‌بندی

قیام امام حسین (ع) یک نهضت چندبعدی و آگاهانه با سه عامل مستقل است:

۱. تقاضای بیعت (دفاع از شرافت؛ ماهیت تقوا).

۲. دعوت کوفه (همکاری؛ ماهیت تعاون).

۳. امر به معروف و نهی از منکر (هجوم به حکومت فاسد؛ ماهیت انقلابی).

عامل سوم از همه ارزشمندتر است و امام با خون خود، تاج افتخار بر سر آن نهاد و آن را به وظیفه‌ای انقلابی و همگانی مبدل ساخت. این نهضت، انفجار نبود، بلکه حرکتی مبتنی بر بینش، بصیرت، انتخاب آزادانه و عشق به شهادت در راه حق بود؛ پیامی که می‌گوید: «زندگی با ذلت، هرگز؛ و مرگ با عزت، همیشه.»

فصل چهارم: ارزش حادثه عاشورا در گذر زمان

شخصیت‌های بزرگ، پیش از زمان خود متولد می‌شوند

شخصیت‌های عظیم معمولاً در زمان خود به‌درستی شناخته نمی‌شوند؛ مردم هم‌عصر، گنجایش درک عظمت آن‌ها را ندارند و ارزش واقعی‌شان پس از مرگ، تدریجاً آشکار می‌گردد. علی (ع) فرمود: «غَدَاً تَعْرِفُونَنِي» (فردا مرا خواهید شناخت) و امروز هرچه زمان می‌گذرد، عمق شخصیت او بیشتر آشکار می‌شود. پیامبر (ص) فرمود: «بسا کسی که سخنی را به کسی می‌رساند که از خود او داناتر است؛ یعنی نسل‌های بعد، معانی را بهتر درک می‌کنند».

نمونه‌ها:

- حافظ در زمان خود شهرت امروز را نداشت.
- ملاصدرا تا ۱۵۰ سال پس از مرگش در حوزه‌ها تدریس نمی‌شد.
- سیدجمال‌الدین اسدآبادی در زمان خود طرد و تبعید شد، اما امروز هر کشور اسلامی او را از آن خود می‌داند و نهضت‌هایی چون مشروطیت و بیداری مصر مرهون اوست.

حوادث تاریخی نیز در زمان خود شناخته نمی‌شوند

حوادث بزرگ نیز تدریجاً و با گذشت زمان لایه‌های پنهان خود را آشکار می‌سازند. عاشورا در زمان خود، قیامی کوچک و ناموفق تلقی شد، اما پس از نزدیک به ۱۴ قرن، ابعاد عظیم آن روزبه‌روز آشکارتر می‌شود.

وصیت‌نامه امام حسین (ع) به محمد حنفیه

امام در این وصیت‌نامه (نوعی اعلامیه)، سه نکته کلیدی فرمود:

۱. رد اتهامات: «برای هوس، گردنکشی، فساد و ستم قیام نکردم.»
۲. هدف نخست: «برای اصلاح امت و امر به معروف و نهی از منکر قیام کردم.»
۳. هدف دوم: «می‌خواهم به سیره جدّم و پدرم رفتار کنم.»

«سیره» یعنی چه و چرا از «کتاب و سنت» جداست؟

- کتاب و سنت = قانون (دستورات کلی و اصول ثابت).

- سیره = روش اجرا و شیوه رهبری (چگونه باید انجام داد؟).

مثال‌ها:

- در شورای شش نفره، علی (ع) پذیرفت بر اساس کتاب و سنت عمل کند، اما سیره شیخین (ابوبکر و عمر) را نپذیرفت، چون روش رهبری پیامبر با روش آنان تفاوت داشت (مثلاً تقسیم مساوی بیت‌المال در مقابل تبعیض).

- امام رضا (ع) در نماز عید فطر، با پای برهنه و لباس ساده و با سیره جدّش نماز خواند، نه سیره خلفا. این روش چنان بر مردم تأثیر گذاشت که مأمون از ترس تهدید سلطنتش، دستور بازگشت امام را صادر کرد.

سه شأن پیامبر (ص):

۱. تبلیغ و تعلیم (رسالت) - وارثان: فقیهان و عالمان.

۲. قضاوت - داوری عادلانه.

۳. رهبری و امامت (سیره) - مدیریت جامعه، تعیین فرماندهان و روش اجرایی که بر اساس مقتضیات زمان است.

اوضاع زمان امام حسین (ع)؛ تغییر روش رهبری از زمین تا آسمان

پنجاه سال پس از رحلت پیامبر (ص)، سیره رهبری کاملاً دگرگون شده بود:

- از زمان عثمان به بعد، روش پادشاهی و سلطنت جایگزین روش نبوی شد.

- در دربار یزید، با پسری می‌گسار و عیّاش، تخت طلا، تشریفات پادشاهی و میمونی بر تخت نشانده، روبرو می‌شدند. این «خلیفه پیامبر» بود که نماز جمعه هم می‌خواند، اما جوهره اسلام در تشریفات پوچ گم شده بود.

امام حسین (ع) با قیام خود، افزون بر امر به معروف، می‌خواست «سیره» را احیا کند؛ یعنی روش رهبری پیامبر و علی (ع) را که بر سادگی، عدالت، تواضع و بندگی خدا بود، دوباره زنده نماید و چهره حقیقی اسلام ناب را نشان دهد.

جمع‌بندی

امام حسین (ع) در وصیت‌نامه، دو هدف اساسی فرمود: امر به معروف (اصلاح اخلاق و دین) و احیای «سیره» (روش رهبری نبوی و علوی). این نشان می‌دهد عاشورا حرکتی آگاهانه، هدف‌دار و طراح‌ریزی‌شده برای بازگرداندن اسلام به مسیر اصیل بود. ارزش این حادثه در زمان خود درک نشد، اما با گذشت قرن‌ها، ابعاد عظیم‌تر و لایه‌های عمیق‌تر آن آشکار می‌شود و پیام جاودانش در تاریخ باقی می‌ماند.

فصل پنجم: شعارهای عاشورا

شعار در جنگ چیست؟

«شعار» در میدان جنگ، برای تشخیص دوست از دشمن (به‌ویژه هنگام کلاه‌خود و زره) و نیز رجزخوانی و نمایش روحیه بود. در عاشورا، شعارها فراتر از شناسه بودند و معرف فکر، هدف و مکتب شدند.

ضرورت شناخت شعارهای عاشورا

امام حسین (ع) هدف خود را با شعارها بیان کرد تا اسلام را زنده و پایه‌های اموی را متزلزل سازد. ائمه (ع) دستور دادند عاشورا زنده بماند، چون مکتب است، نه صرفاً عزاداری. پاسخ ما به پرسشگران باید این باشد: «ما می‌خواهیم حرف آقایمان را بگوییم و هر سال تجدید حیات کنیم.»

شعارهای امام حسین (ع) در روز عاشورا

۱. شعار عزت و آزادگی

«الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ» (مرگ از ننگ ذلت سزاوارتر است). این شعار، یعنی زندگی با ذلت هرگز پذیرفتنی نیست و مرگ با عزت برترین انتخاب است.

۲. شعار هویت حسینی (فرزند علی و زهرا)

در برابر پیشنهاد ذلت از سوی ابن‌زیاد، فرمود: «هَيْهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ» (ذلت از ما دور است) و افزود: «يَا بِي اللَّهْ ذَلِكَ لَنَا وَرَسُولُهُ» (خدا و پیامبر نمی‌پذیرند ما تن به ذلت دهیم). او با افتخار از دامن پاک پیامبر، علی و فاطمه گفت و تأکید کرد که چنین پیشینه‌ای با خواری سازگار نیست.

۳. شعار توحید و اتکا به خدا

پس از حملات، با صدای بلند می‌فرمود: «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»؛ هم شعار توحیدی بود و هم پیامی برای اهل‌بیت که «حسین زنده است».

مسأله تشنگی؛ روایت راست و نادرست

سه روز آب بسته بودند و هوای داغ عراق عطش را افزون می کرد. شهید مطهری می گوید جمله «أَسْقُونِي شَرِبَةً» (یک جرعه آب به من دهید) در منابع معتبر نیست؛ امام به دنبال آب حمله می کرد، نه اینکه از دشمن طلب کند. این تفاوت، نشان دهنده عظمت روحی او تا آخرین لحظه است.

شعار امام در وصیت نامه به محمد حنفیه

امام پیش از خروج از مدینه فرمود: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا... وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ... أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَ أَبِي» (برای اصلاح امت و احیای سیره نبوی و علوی در کنار امر به معروف قیام کردم). این، شعار اصلی تمام نهضت است.

عظمت روحی امام در روز عاشورا

راوی دشمن گفت: «ندیدم کسی که این چنین خانواده و یارانش را از دست داده باشد، ولی این چنین دل قوی و استوار داشته باشد.» امام نقطه ای مرکزی نزدیک خیمه ها انتخاب کرد و از آنجا حمله می کرد. دشمن از جنگ تن به تن با او وحشت داشت؛ عمر سعد فریاد زد: «با پسر علی نجنگید؛ روح پدرش در کالبد اوست!» از آن پس فقط از دور سنگ و تیر می انداختند.

امام در وداع دوم به اهل بیت فرمود: «اسیر می شوید، اما اسارت شما، اسارت عزت است» و این وعده با صلابت زینب (س) در کوفه و شام به تحقق پیوست.

فلسفه عزاداری: زنده نگه داشتن مکتب، نه گناه پوشی

- نه برای تسلی حضرت زهرا (س) (این تحریف است).
- نه برای گناه پوشی (گناه وقتی بخشیده می شود که روح ما با حسین پیوند خورد و به گناه برنگردیم).
- هدف اصلی: زنده ماندن مکتب حسین؛ مکتبی که امر به معروف، نهی از منکر، جهاد، شهادت، عزت و آزادگی را می آموزد.

شعارهای ما باید محیی باشد، نه بی حس کننده

شعارهای دسته‌ها و مجالس باید زنده‌کننده (محیی) باشند، نه بی‌حس‌کننده (مخدر). باید روح امر به معروف، غیرت، شجاعت و ظلم‌ستیزی را بیدار کنند و ما را به هویت اسلامی و علوی یادآور شوند. اشک باید از هماهنگی روح با حسین سرچشمه گیرد؛ دلی که با او پیوند خورد، به گناه باز نمی‌گردد.

جمع‌بندی

شعارهای عاشورا ترجمان روح نهضت حسینی است:

- آزادگی: مرگ با عزت بهتر از زندگی با ذلت.
- هویت: من فرزند علی و زهرا هستم؛ ذلت از من دور است.
- اصلاح: برای احیای امر به معروف و سیره نبوی قیام کردم.
- توحید: هیچ نیرویی جز از سوی خدا نیست.

عاشورا مکتبی انسان‌ساز است و فلسفه عزاداری حیات‌بخشی است، نه گناه‌پوشی. اگر اشک و سینه‌زنی ما را به خدا، اسلام ناب و مبارزه با ظلم نزدیک کند، پذیرفته است؛ وگرنه بی‌ارزش و گمراه‌کننده خواهد بود.

فصل ششم: عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی (بخش اول)

چندعاملی بودن نهضت حسینی

نهضت امام حسین (ع) پدیده‌ای چندعاملی است که سه عامل در آن نقش داشته:

۱. تقاضای بیعت از سوی حکومت یزید و امتناع امام.
۲. دعوت مردم کوفه برای آمدن به عراق.
۳. وظیفه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان اصل مستقل و اساسی.

۱. عامل بیعت؛ دو مفسده بزرگ

امتناع از بیعت با یزید، از دو جهت حیاتی بود:

مفسده اول: تثبیت خلافت موروثی - معاویه برای نخستین بار کوشید خلافت را به سلطنت پادشاهی تبدیل کند و یزید را ولیعهد معرفی نمود. بیعت با یزید، تأیید این سنت غلط بود.

مفسده دوم: شخصیت یزید - او آشکارا شراب‌خوار، قمارباز، میمون‌باز و بی‌اعتنا به مقدسات بود. امام فرمود: «وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذَا قَدْ بُيِّتَ الْأُمَّةُ بِرَأْعٍ مِثْلِ يَزِيدَ» (اسلام خداحفاظی کند وقتی چوپانی چون یزید بر امت باشد).

۲. عامل دعوت مردم کوفه

حدود ۱۸ هزار نامه از کوفیان به امام رسید. اما ارزش این عامل در مقایسه با دو عامل دیگر کم‌اهمیت‌تر است؛ زیرا:

- اگر کوفیان دعوت نمی‌کردند، امام باز هم به سبب امر به معروف قیام می‌کرد.
- حداکثر تأثیرش، کشاندن امام از مکه به سوی کوفه بود. وقتی کوفیان از عهد برگشتند، امام فرمود برمی‌گردم، اما این به معنای سکوت نبود؛ بلکه بازگشت به مکه یا مدینه برای ادامه مبارزه انقلابی بود.

۳. عامل امر به معروف و نهی از منکر (عامل اصلی)

امام در وصیت‌نامه به محمد حنفیه فرمود:

«إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا... وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ... أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»

او هیچ‌گاه به بیعت یا دعوت کوفه اشاره نکرد، بلکه این وظیفه را اصلی مستقل دانست که حتی بدون آن دو عامل نیز او را به قیام وادار می‌کرد.

ارزش سه عامل در نهضت حسینی

- دعوت کوفه: ارزش عادی

- امتناع از بیعت: ارزش بسیار بالاتر (ایستادن در برابر قدرتی مطلق و گفتن «نه» در فضای اختناق).

- امر به معروف و نهی از منکر: والاترین عامل؛ زیرا نهضت را برای همیشه زنده، آموزنده و الهام‌بخش کرده است. حتی اگر دعوت و بیعتی نبود، حسین (ع) به‌عنوان مصلح الهی قیام می‌کرد.

امر به معروف در قرآن و سنت

پیامبر (ص) فرمود: اگر مردم این فریضه را ترک کنند، باید منتظر عذاب الهی باشند و بدان جامعه بر خوبان مسلط می‌شوند. امام حسین (ع) نیز با استناد به این احادیث، احساس وظیفه کرد و فرمود در شرایطی که فساد فراگیر و حلال و حرام ج

دو نوع مسئولیت در اسلام

۱. مسئولیت فردی: هرکس بار گناه خود را می‌کشد.

۲. مسئولیت اجتماعی: انسان در برابر جامعه نیز مسئول است و سکوت در برابر فساد، او را در گناه شریک می‌کند. قرآن می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (تغییر سرنوشت، از درون خود مردم آغاز می‌شود).

دوستی خدا، بالاتر از همه دوستی‌ها

در روز عاشورا، علی‌اکبر (ع) از تشنگی و سنگینی اسلحه نزد پدر شکایت کرد و آب خواست. امام با چشمانی اشکبار، اما قلبی استوار فرمود: «فرزندم! امیدوارم به فیض شهادت نایل شوی و از دست جدّت (پیامبر) سیراب گردی.» این نشان می‌دهد محبت به خدا از هر محبتی بالاتر است؛ حتی فدا کردن عزیزترین فرزند در راه ارزش

جمع‌بندی

امر به معروف و نهی از منکر، عنصر اصلی و اساسی‌ترین عامل در نهضت حسینی است. دو عامل دیگر (بیعت و دعوت کوفه) فرعی و تکمیلی‌اند. اگر نهضت فقط برای بیعت یا کوفه بود، رویدادی عادی و زودگذر می‌شد؛ اما چون امام به‌عنوان مصلح الهی قیام کرد، نهضت او برای همیشه زنده و پویا ماند. این، فلسفه تأکید ائمه (ع) بر زنده‌نگهداشتن عاشورا است: تا جامعه اسلامی بداند سکوت در برابر فساد، گناه است و قیام اصلاحی، وظیفه هر مسلمان آگاه.

فصل ششم: عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی (بخش دوم)

ارزش‌گذاری سه عامل نهضت

ارزش سه عامل متفاوت است:

- دعوت کوفه: ارزش عادی (واکنش به دعوت منطقه‌ای با احتمال پیروزی ۵۰٪).
- امتناع از بیعت: ارزش بسیار بالاتر (ایستادن در برابر قدرتی مطلق و گفتن «نه» بدون هیچ پشتوانه).
- امر به معروف و نهی از منکر: والاترین عامل؛ زیرا امام به‌عنوان مصلح الهی و بر اساس وظیفه دینی قیام کرد و این عامل، نهضت را برای همیشه زنده و آموزنده نگه داشته است. در زیارت وارث شهادت می‌دهیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ... وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ یعنی نهضت برای این اهداف بوده، نه فقط بیعت یا دعوت.

خصوصیت نهضت‌های انبیا و اولیای الهی

تفاوت نهضت انبیا با سایر نهضت‌ها در روح عمل است، نه پیکر آن. دو کار ظاهراً یکسان، به‌خاطر خلوص نیت، عشق و اتصال به خدا، ارزشی هزاران برابر می‌یابند. علی (ع) فرمود: «ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ»؛ چون در آن لحظه از «خود» تهی شده و فقط خدا در او حضور داشت. این روح «فنا فی الله» است که نهضت حسینی را متمایز می‌کند.

تفسیر آیه «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ...»

قرآن هفت صفت متوالی برای مؤمنان برمی‌شمارد که سیر صعودی آن‌ها را نشان می‌دهد: توبه، عبادت، حمد، سیاحت (تفکر در زمین)، رکوع و سجود، و در نهایت امر به معروف و نهی از منکر. نکته مهم: امر به معروف در انتهای زنجیره قرار دارد؛ یعنی کسی می‌تواند مصلح اجتماع باشد که اول خود را ساخته باشد. علی (ع) فرمود: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، فَلَعَلَّهِ أَنْ يَتَعَلَّمَ قَبْلَ أَنْ يُعَلِّمَ» (پیشوا باید اول خود را تعلیم دهد).

امر به معروف؛ اصلی که ضامن بقای اسلام است

این اصل، ضامن بقای جامعه اسلامی است و ترک آن، موجب عذاب الهی و تسلط بدان بر جامعه می‌شود. پیامبر (ص) فرمود: اگر مردم این فریضه را ترک کنند، باید منتظر عذاب باشند و دعای خوبان مستجاب نمی‌شود.

مراحل و درجات امر به معروف و نهی از منکر

سه مرحله دارد:

۱. مرحله دل (انزجار باطنی از منکر).
۲. مرحله زبان (ارشاد و نصیحت با منطق و مهربانی).
۳. مرحله عمل (تنبیه عملی با حکمت و زمان‌شناسی).

امر به معروف لفظی و عملی:

- لفظی: بیان حقایق با گفتار (لازم اما ناکافی).
- عملی: نشان دادن راه حق با عمل (بسیار مؤثرتر). قرآن می‌فرماید: «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (چرا چیزی می‌گویید که خود انجام نمی‌دهید؟). حسین (ع) مصداق کامل امر به معروف عملی بود.

نمونه‌های غلط از امر به معروف

- برخوردهای جاهلانه نتیجه عکس می‌دهد؛ مانند:
- مؤاخذه فردی تازه‌دین شده به خاطر کوتاهی ریش که او را از دین می‌رانند.
- توصیه نابجای یک پیش‌نماز به پدری که فرزندش را از تحصیل بازداشت و کینه‌ای عمیق در او ایجاد کرد.
- امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ الْجَاهِلَ إِذَا أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ... أَفْسَدَ أَكْثَرَ مِمَّا أَصْلَحَ» (جاهل وقتی امر به معروف کند، بیشتر از آنچه اصلاح کند، فساد می‌آورد).

حرکت حسین (ع)، عالی‌ترین نمونه امر به معروف عملی

امام با عمل خود آموخت:

- عزیزترین کسان (علی‌اکبر، علی‌اصغر، عباس) را در راه خدا فدا کرد.
- هرگز زیر بار ذلت نرفت و شعار «هَيَّاهَاتِ مِنَّا الذِّلَّةُ» را با خون امضا کرد.
- دشمن را با جاذبه ایمان به خود کشید (حرّ بن یزید ریاحی که از سرداران دشمن بود، در شب عاشورا توبه کرد و به امام پیوست). امام پس از شهادت حرّ فرمود: «أَنْتَ الْحُرُّ كَمَا سَمَّكَ أُمُّكَ» (تو همان آزادمردی هستی که مادرت نامید).

درس بزرگ عاشورا: عمل برتر از گفتار

امام با فداکاری، تشنگی سه‌روزه و ایستادگی در برابر لشکر انبوه، موجی در تاریخ ایجاد کرد که هیچ خطابه‌ای نمی‌توانست. ائمه (ع) دستور دادند عاشورا هر سال زنده بماند تا این مکتب عملی، الهام‌بخش نسل‌ها باشد و به ما یادآورد که در برابر فساد و ظلم، باید چنانکه حسین قیام کرد، قیام کنیم.

جمع‌بندی

امر به معروف و نهی از منکر، اصلی است که ضامن بقای جامعه اسلامی است و سه مرحله دارد: دل، زبان و عمل. مؤثرترین مرحله، عمل است؛ چنانکه حسین (ع) آن را به اوج رساند. این وظیفه نیازمند آگاهی، بصیرت و تشخیص درست است؛ وگرنه جاهلان، بیشتر از آنچه اصلاح کنند، فساد می‌آورند. الگوی کامل، امام حسین (ع) است که با عمل خود، این اصل الهی را جاودانه کرد و آموخت که سکوت در برابر ظلم جایز نیست و ایستادگی با عزت، سرآمد همه ارزش‌هاست.

فصل ششم: عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی (بخش سوم)

ارزش امر به معروف و نهی از منکر در اسلام

این اصل، ضامن بقای جامعه اسلامی است. در تعارض ارزش‌ها، ارزش کوچکتر فدای بزرگتر می‌شود (قاعده «إِذَا اجْتَمَعَتْ حُرْمَتَانِ تَرَكْتَ الصَّغْرَى لِلْكُبْرَى»). نمونه: ورود به زمین غصبی برای نجات غریق جایز است.

مرز امر به معروف و نهی از منکر؛ دو نظریه

نظریه اول (توقف بر عدم ضرر): تا جایی که به مال، آبرو یا جان آسیب نرسد - که ارزش این اصل را پایین می‌آورد.

نظریه دوم (وابسته به موضوع): اگر موضوع کوچک باشد (مثل انداختن پوست خریزه در کوچه)، ارزش آن به خطر انداختن جان را ندارد؛ اما اگر موضوع بزرگ باشد (مثل حفظ قرآن، عدالت، وحدت اسلامی یا مبارزه با ظلم حاکم)، هیچ مرزی نمی‌شناسد و انسان باید تا پای جان بایستد.

حسین (ع) و ارزش‌گذاری فراتر از جان و مال

امام ثابت کرد در موضوعات بزرگ، باید از مال، آبرو، جان، عزیزان و ملامت مردم گذشت. با وجود هشدار ابن عباس و ابن حنفیه درباره سست‌عهدی کوفیان، فرمود: «لَا يَخْفَى عَلَيَّ الْأَمْرُ» (این بر من پنهان نیست)، اما به‌خاطر وظیفه الهی راه کربلا را برگزید و به این اصل، ارزش و اعتباری بی‌نظیر بخشید.

تمشک امام حسین (ع) به اصل امر به معروف

- در دوران معاویه: صحابه پیامبر را در منی جمع کرد و مفسد را گوشزد نمود.
- در نامه به معاویه: ترس از خدا او را از نبرد بازمی‌داشت، اما سکوت در برابر ظلم را جایز نمی‌دانست.
- در خطبه مرز عراق (روبرویی با لشکر حرّ) فرمود: هرکس حاکم ستمگری ببیند که حرام خدا را حلال کرده و با سنت پیامبر مخالفت می‌کند و با گفتار یا کردار عکس‌العملی نشان ندهد، سزاوار است خداوند او را به همان جایگاه ستمگر ببرد. سپس فرمود: «أَنَا أَحَقُّ مِنْ غَيْرِي» (من برای قیام شایسته‌ترم).

شب عاشورا؛ اوج حماسه و ایثار

سه رویداد مهم:

۱. وداع امام با اهل بیت و اصحاب: فرمود «شما آزادید، بروید» اما همه یک‌صدا وفاداری کردند؛ نخست ابوالفضل (ع).
۲. پیش‌گویی شهادت همه: فرمود فردا همه شهید می‌شوند و یاران با خوشحالی و شکرگزاری پذیرفتند.
۳. درخواست قاسم بن الحسن (ع): نوجوان ۱۳ ساله پرسید: «أَنَا فِيمَنْ يُقْتَلُ؟» (آیا من هم کشته می‌شوم؟). امام پرسید مرگ در ذائقه‌ات چه طعمی دارد؟ پاسخ داد: «از عسل شیرین‌تر است.» امام فرمود: «بله، شهید می‌شوی، اما پس از بلای شدید.»

شهادت قاسم بن الحسن (ع)

در روز عاشورا، پس از اذن عمو، به میدان رفت و با شجاعت جنگید تا ضربتی بر فرقش نشست. امام فریاد «عموجان!» را شنید و مانند باز شکاری به بالینش رسید. دشمنان (حدود ۲۰۰ نفر) گریختند. امام سر قاسم را به دامن گرفت و فرمود: «عَزِيزٌ عَلَى عَمِّكَ أَنْ تَدْعُوهُ فَلَا يُجِيبُكَ» (بر عمو تو سخت است که فریاد زنی و پاسخ ندهد یا پاسخ دهد اما سودی نبخشد). سپس پیکرش را به خیمه‌گاه حمل کرد.

جمع‌بندی

امر به معروف و نهی از منکر در موضوعات بزرگ (حفظ اسلام، عدالت، مبارزه با ظلم) هیچ مرزی نمی‌شناسد و انسان باید تا پای جان بایستد. امام حسین (ع) با عمل خود ثابت کرد این اصل از جان، مال، آبرو و عزیزان ارزشمندتر است. شهادت قاسم (ع) مصداق این حقیقت است که نوجوانی ۱۳ ساله، مرگ را از عسل شیرین‌تر می‌داند و با شوق شهادت، عشق به خدا را به اوج می‌رساند.

فصل ششم: عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی (بخش چهارم) - نتیجه‌گیری و کاربست عملی

تعریف جامع از امر به معروف و نهی از منکر

این اصل تنها به «گفتن» محدود نمی‌شود؛ بلکه به معنای استفاده از هر وسیله مشروع برای ترویج نیکی‌ها و مبارزه با زشتی‌هاست.

کارنامه ضعیف ما در این زمینه

۱. مجالس وعظ: محتوای سطحی، فردی و گاه خرافی، به جای پرداختن به مسائل بزرگ جهان اسلام.
۲. کتاب‌های دینی: فاقد عمق محتوایی و نگاه اجتماعی؛ گاهی به خرافه‌پرستی دامن می‌زنند.
۳. بی‌اطلاعی از تمدن اسلامی: نسل جوان از دستاوردهای علمی مسلمانان بی‌خبر است.
۴. بی‌توجهی به میراث: نمونه تلخ کشف قرآن نفیس در میان کاغذهای باطله.

فلسطین؛ مصداق عینی ترک امر به معروف

مطهری با لحنی تند می‌گوید:

- اگر پیامبر (ص) امروز زنده بود، دلش از یهود و صهیونیسم به درد می‌آمد.
- فلسطین بخشی از پیکره جهان اسلام است که به‌زور گرفته شده.
- دشمن طرح «اسرائیل بزرگ» را برای گسترش تا سرزمین‌های دیگر دنبال می‌کند.
- یهودیان روزانه میلیون‌ها دلار برای تقویت اسرائیل هزینه می‌کنند، اما مسلمانان بی‌تفاوت و خواب‌آلوده‌اند.

کمک مالی به فلسطینیان واجب شرعی (هم‌پایه نماز و روزه) است. اگر هر مسلمان روزی یک ریال بدهد، مبلغ عظیمی برای ایستادگی در برابر تهاجم جمع می‌شود. علما و خطبا باید این مسئله را در منبرها مطرح کنند.

راه چاره: بازگشت به اصل امر به معروف

ارزش واقعی یک ملت به:

- همبستگی و همدردی اسلامی

- پرهیز از بی‌خبری و نادانی

- پرداختن به مسائل بزرگ (نه شعارهای سطحی)

- استفاده از همه ابزارهای مشروع (مال، قلم، زبان، عمل)

اگر به این اصل عمل کنیم، هیچ قدرتی جرأت تعرض به سرزمین‌های اسلامی را نخواهد داشت. اما تا وقتی درگیر اختلافات داخلی و بی‌تفاوتی هستیم، مستحق ذلت و خواری خواهیم بود.

طمأنینه و آرامش حسین (ع) در روز عاشورا

عباس محمود عقّاد می‌گوید: «گویا میان فضایل حسین (ع) مسابقه بود؛ صبر، رضا، اخلاص و شجاعت.» اما برترین فضیلت، طمأنینه و آرامش خارق‌العاده او در اوج مصیبت است. راوی گفت: «وَاللّٰهُ مَا رَأَيْتُ مَكْثُورًا... أَرْبَطَ جَأْشًا مِنْهُ» (ندیدم کسی این‌چنین فرزندان و یارانش را از دست داده باشد، ولی این‌چنین دل قوی و آرام داشته باشد). امام با صلابت قدم برمی‌داشت، گویی آینده نورانی نهضت را می‌بیند.

وداع با اهل بیت و شهادت عبدالله بن حسن (ع)

در آخرین وداع، عبدالله بن حسن (ع) (فرزند ۱۰ ساله امام حسن که یتیم بود و در خانه حسین بزرگ شد) از خیمه بیرون دوید و فریاد زد: «وَاللّٰهُ لَا أَفَارِقُ عَمِّي» (از عمویم جدا نمی‌شوم). دشمنی که می‌خواست به امام ضربه بزند، کودک فریاد زد: «يَا ابْنَ الزَّانِيَةِ! أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَ عَمِّي؟» (ای زنازاده! می‌خواهی عمویم را بکشی؟). دشمن دستش را قطع کرد و کودک در آغوش حسین (ع) به شهادت رسید.

در زیارت وارث شهادت می‌دهیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ... أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ جَاهَدْتَ... حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ»؛ یعنی تا آخرین لحظه بر عهد خود با خدا ایستاد و از عزیزترین‌ها در راه این اصل گذشت.

جمع‌بندی نهایی

امر به معروف و نهی از منکر، اصلی که نهضت حسینی را به اوج رساند و حسین (ع) با خون خود به آن عظمتی بی‌نظیر بخشید. این اصل، حرکت عملی هدفمند برای اصلاح جامعه و مبارزه با ظلم است.

کارنامه ما در این زمینه ضعیف و آزاردهنده است؛ در برابر بزرگ‌ترین مصائب جهان اسلام (فلسطین) سکوت کرده‌ایم. راه چاره، بازگشت به روح عاشورا است: همبستگی، بیداری، غیرت و فداکاری. اگر می‌خواهیم نزد خدا و ملل جهان محترم باشیم، باید از خواب غفلت بیدار شویم و این اصل حیاتبخش را در همه ابعاد زندگی جاری کنیم. امروز، شمرِ امروز، صهیونیسم است و باید به جای مرثیه‌های بی‌محتوا، فریاد «فلسطین» سر دهیم و از همه توان برای نجات آن استفاده کنیم.

فصل ششم: تأثیر امر به معروف و نهی از منکر اهل بیت پس از حادثه کربلا (بخش پنجم)

احیای متقابل انسان و امر به معروف

همان گونه که انسان با این اصل جامعه را احیا می کند، این اصل نیز انسان را احیا می نماید. رابطه ای دوطرفه؛ چنانکه علی (ع) درباره تقوا فرمود: «تقوا را نگه دارید تا تقوا شما را نگه دارد.»

اهل بیت (ع)؛ امر به معروف عملی پس از عاشورا

پس از شهادت امام حسین (ع)، اهل بیت هرگز به عنوان جمعیتی شکست خورده و مأیوس ظاهر نشدند؛ بلکه شهادت را آغازی دوباره برای رساندن پیام حماسه دانستند. از روز یازدهم محرم، آن ها به عنوان گروهی آمر به معروف و ناهی از منکر، در هر جایگاه، به تبلیغ حق و مبارزه با باطل پرداختند.

زینب (س) در مجلس ابن زیاد؛ نمایش عظمت روحی

اسیران اهل بیت را با زنجیر و بر شترهای بی جهاز وارد کوفه کردند. زینب (س) بدون هیچ اعتنا و سلامی وارد مجلس شد. ابن زیاد پرسید: «خدا را چه دیدی با برادرت کرد؟» پاسخ داد: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» (جز زیبایی ندیدم). سپس با خطبه ای آتشین فرمود: «أَتُرِيدُ أَنْ تَطْفِئَ نُورَ اللَّهِ بِفِيكَ؟» (می خواهی نور خدا را با دهانت خاموش کنی؟). این خطبه چنان مؤثر بود که ابن زیاد جرأت پاسخ نیافت.

زینب (س) در مجلس یزید؛ اوج رسوایی دستگاه اموی

در شام، یزید با غرور و با شعرهای ابن زبیری، پیروزی خود را جشن می گرفت. زینب (س) برخاست و فرمود: «أُظَنَنْتَ يَا يَزِيدُ... أَنْ بِاللَّهِ هَوَانًا وَبِكَ عَلَيْهِ كَرَامَةٌ؟» (گمان کردی ما را خوار کرده ای و خود را بزرگ؟). در پایان فرمود: «فَكَيْدُ كَيْدِكَ... فَوَاللَّهِ لَا تَمْحُو ذِكْرَنَا» (هر حقه ای بزنی، اما نام ما را محو نمی کنی). این خطبه چنان اثری داشت که یزید برای حفظ وجهه، اسیران را محترمانه به مدینه بازگرداند و تقصیر را به گردن ابن زیاد انداخت.

دو شرط اساسی برای امر به معروف و نهی از منکر

۱. احتمال تأثیر (نه قطع تأثیر): اگر یقین به بی‌نتیجه‌گی یا نتیجه معکوس باشد، واجب نیست؛ اما این احتمال نباید بهانه‌ای برای سکوت باشد.

۲. تحصیل قدرت و آگاهی، شرط وجود است نه شرط وجوب. اگر قدرت نداریم، باید برویم و آگاهی و قدرت به دست آوریم. اسلام حتی کارهای حرام (مانند پذیرش پست از ستمگران) را اگر وسیله‌ای برای قدرت و انجام امر به معروف باشد، واجب یا مستحب می‌شمارد. امام صادق (ع) فرمود: این فریضه‌ای است که سایر فرائض به وسیله آن برپا می‌شوند و زمین به آن آباد می‌گردد.

اهل بیت (ع)؛ مبلغان راستین پس از عاشورا

امام سجاد (ع) در شام، وقتی خطیب دستوری یزید به دشنام علی (ع) و حسین (ع) پرداخت، فریاد زد: «أَيُّهَا الْخَطِيبُ! اشْتَرَيْتَ مَرْضَاءَ الْمَخْلُوقِ بِسَخَطِ الْخَالِقِ» (خشنودی مخلوق را به بهای خشم خدا خریدی). سپس با اجازه یزید بر منبر رفت و با خطبه‌ای کوبنده، جنایات بنی‌امیه را برملا ساخت. وقتی مؤذن به «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» رسید، امام فریاد زد: «ای یزید! این که امروز به رسالت او شهادت می‌دهید، کیست؟ و این ما که اسیر شما هستیم، کیستیم؟» این سؤال، پرده از چهره حقیقت برداشت.

نتیجه‌گیری نهایی

امر به معروف و نهی از منکر، پس از عاشورا توسط اهل‌بیت با قدرت و صلابت تمام به اجرا درآمد. زینب (س) و امام سجاد (ع) با خطبه‌های آتشین، دستگاه اموی را رسوا و اسلام ناب را از تحریف نجات دادند. این حرکت عظیم تبلیغی، درس می‌دهد که این اصل پس از هر شکست ظاهری نیز ادامه می‌یابد و هرگز متوقف نمی‌شود. ما باید با آگاهی، قدرت و منطق در راه احیای این اصل گام برداریم و از ایستادگی در برابر ظلم و فساد خسته و ناامید نشویم؛ چراکه این اصل، ضامن بقای اسلام و مایه عزت مسلمانان است.

فصل هفتم: عنصر تبلیغ در نهضت حسینی (بخش اول)

نهضت‌ها، همچون سخن‌ها؛ چندلایه و چندمعنا

نهضت امام حسین (ع) از نوع پیچیده و چندلایه است که هر لایه پیامی خاص دارد. تاکنون با عناصر امتناع از بیعت، امر به معروف، اتمام حجت آشنا شدیم؛ اما تبلیغ، عنصر چهارم و متمایزی است که باید جداگانه بررسی شود.

تبلیغ یعنی چه؟

تبلیغ در قرآن به معنای رساندن پیام معنوی (فکر، عقیده، عشق) به قلب و فکر دیگران است. تفاوت آن با امر به معروف:

- تبلیغ: مرحله شناخت و آگاهی (رساندن پیام).

- امر به معروف: مرحله عمل و اجرا (تحقق پیام در جامعه).

هر دو وظیفه‌ای همگانی برای مسلمانان آگاه هستند.

چهار شرط موفقیت یک پیام

۱. غنا و حقانیت محتوای پیام

پیام باید با عقل و فطرت سازگار، با احساسات عالی انسانی هماهنگ و پاسخگوی نیازهای عملی باشد. اسلام با وجود ضعف ابزارهای تبلیغاتی، میلیون‌ها نفر را جذب کرده است.

۲. شخصیت پیام‌رسان

پیام‌رسان باید دارای امانت، صداقت، ایمان، بصیرت، شجاعت و جذابیت شخصیتی باشد؛ وگرنه پیام حق به مخاطب نمی‌رسد.

۳. ابزار و وسایل پیام‌رسانی

ابزارها شامل سخن، شعر متعهدانه، صوت زیبا، هنر، ابزارهای مدرن (بلندگو، تلویزیون، فیلم) هستند. شرط مشروعیت ابزارها الزامی است؛ استفاده از وسایل نامشروع (دروغ، تحریف، شهوت‌پروری) برای هدف مقدس مردود است (نقض اصل «الغایات تبرّر المبادی»).

۴. سبک و روش پیام‌رسانی (اسلوب)

- کیفیت رساندن پیام به اندازه خود پیام اهمیت دارد:
- فصاحت و بلاغت (قرآن، نهج‌البلاغه، دعا‌های ائمه).
- آهنگ مناسب (قرائت قرآن و اذان با صدای زیبا).
- شعر متعهدانه (شعر کمیت، دعبل، حسان بن ثابت) که به خاطر وزن و آهنگ، نفوذی عمیق‌تر از نثر دارد.
- توجه به قالب و سیاق مناسب.

نمونه‌های عینی از تبلیغ مؤثر در اسلام

- قرآن کریم: زیبایی، فصاحت و بلاغت آن، حتی دشمنان را تحت تأثیر قرار می‌داد (ماجرای جعفر بن ابی‌طالب در حبشه).
- نهج‌البلاغه: فصاحت کلام علی (ع) که بزرگان ادب عرب را خاضع می‌کرد.
- قرائت زیبای ائمه (ع): امام سجاد و امام باقر (ع) چنان با آهنگ نیکو قرآن می‌خواندند که رهگذران می‌ایستادند و مجالسشان ازدحام می‌شد.

نهضت حسینی؛ بلیغ‌ترین نهضت‌ها

- نهضت امام حسین (ع) از نظر رسانندگی پیام، مؤثرترین نهضت تاریخ است؛ چراکه:
- پس از ۱۴ قرن، قدرت نفوذش افزایش یافته است.
- پیامش جهانی شده است.
- ابزارهای تبلیغی آن، خود صحنه عاشورا و اقدامات اهل‌بیت (ع) است.

امام از همه ابزارهای مشروع استفاده کرد:

- خطبه‌های پرشور از مکه تا کربلا.
- قرائت قرآن با صدای زیبا در شب عاشورا که دل دشمنان را تحت تأثیر قرار داد.
- سازماندهی صحنه‌ای نمادین و اجازه میدان به یاران در لحظات مناسب برای ایجاد پیام‌های ماندگار (شهادت علی اکبر و قاسم).
- تبلیغ عملی با تلاوت آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ...» و پذیرفتن سرپرستی دختر مسلم بن عقیل برای نشان دادن اینکه مکتب حسین، پناهگاه یتیمان مکتب علی (ع) است.

اهمیت ابزارهای نوین در تبلیغ

ابزارهای جدید (بلندگو، رادیو، تلویزیون) فی‌نفسه نه حرام‌اند و نه حلال؛ محتوای منتقل‌شده تعیین‌کننده حکم است. جمود در برابر ابزارهای نوین، خلاف سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) است که از هر وسیله مشروع زمان خود برای ترویج دین استفاده می‌کردند.

جمع‌بندی

تبلیغ یکی از ارکان اصلی نهضت حسینی است. امام (ع) با بهره‌گیری از همه ابزارهای مشروع (خطابه، شعر، صوت زیبا، صحنه‌آرایی نمادین و رفتارهای عاطفی)، پیام جاودان خود را به گوش جهانیان رساند. این پیام، زنده و پویا باقی مانده و نشان می‌دهد یک نهضت بلیغ و هدف‌مند چگونه از مرزهای زمان و مکان عبور کرده و به‌عنوان الگویی کامل و ماندگار در تاریخ ثبت می‌شود.

فصل هفتم: عنصر تبلیغ در نهضت حسینی (بخش دوم) - روش‌ها و اسلوب‌های تبلیغی

نقش اسلوب و روش در موفقیت یک پیام

موفقیت پیام تنها به محتوای آن وابسته نیست؛ روش ارائه و سبک انتقال نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. در تبلیغ دین، روش پیام‌رسانی به اندازه خود پیام اهمیت دارد. پیامبران از روش‌های خاصی بهره می‌بردند.

ویژگی‌های روش تبلیغی پیامبران

۱. وضوح و روشنی (بیان مبین): پیام با ساده‌ترین و واضح‌ترین عبارات، قابل درک برای همگان.
۲. خلوص نیت (نُصح): پیام‌رسان باید خالص و بدون آلودگی دنیوی باشد.
۳. تواضع و فروتنی: مبلغ خود را یکی از مردم بداند و با آنان فروتن باشد.
۴. پرهیز از خشونت و نرم‌خویی (رفق و لینت): سخن باید نرم و دل‌نشین باشد (حتی در مواجهه با فرعون).
۵. شجاعت و بی‌باکی: در برابر هیچ قدرتی جز خدا نه‌راسد و رسالت را بدون کم‌وکاست برساند.
۶. عدم ادعای علم غیب: پیامبران هرگز خود را آگاه از غیب مطلق نمی‌دانستند.
۷. عدم تبعیض در تبلیغ: میان فقیر و غنی، برده و آزاده، فرقی نبود.
۸. صبر و استقامت: تبلیغ دین کاری دشوار و نیازمند شکیبایی فراوان است.

روش‌های تبلیغی امام حسین (ع) در نهضت عاشورا

۱. مهاجرت تبلیغی به مکه

حرکت از مدینه به مکه، اعلام مخالفت عمومی با خلافت یزید بود. خروج از مکه در روز ترویبه (هشتم ذی‌الحجه) در اوج مراسم حج، پیام داد: «حج زیر پرچم یزید بی‌ارزش است.»

۲. همراه بردن خاندان

هدف، تبلیغ پس از شهادت توسط اسیران اهل بیت بود. آن‌ها قرار بود پیام را تا قلب حکومت اموی (شام) برسانند؛ تاکتیکی هوشمندانه که دشمن را به ابزار تبلیغ تبدیل کرد.

۳. نمایش جوانمردی و اخلاق اسلامی

در مواجهه با لشکر حرّ، به سربازان تشنه دشمن آب داد و حتی بر سیراب شدن اسب‌هایشان نظارت کرد. این تبلیغ عملی اخلاق حسینی بود.

۴. جذب نیرو و افزایش تعداد شهیدان

حبیب بن مظاهر را به میان قبیله بنی‌اسد فرستاد تا یاران بیشتری جذب کند. هدف، گسترش دامنه شهادت و در نتیجه، گسترش پیام عاشورا بود؛ نه افزایش توان رزمی.

۵. استفاده از «رنگ خون» برای ماندگاری پیام

بسیاری پیام خود را بر سنگ حک کردند، اما زمان آنها را دفن کرد. حسین (ع) پیام را با رنگ خون بر صفحه دل‌ها نوشت و آن را برای همیشه ماندگار ساخت.

۶. صحنه آرایی نمایشی (استعداد شبیه‌سازی)

جزئیات کربلا (از حرکت امام تا شهادت قاسم، علی‌اکبر و طفل شیرخوار) به گونه‌ای است که تا ابد به‌عنوان صحنه‌ای تکان‌دهنده در تاریخ باقی بماند.

نمونه بارز: شهادت قاسم بن الحسن (ع)

در شب عاشورا، قاسم ۱۳ ساله پرسید: «آیا من هم شهید می‌شوم؟» امام فرمود: «مرگ در ذائقه‌ات چه طعمی دارد؟» پاسخ داد: «از غسل شیرین‌تر است.» در روز عاشورا، با عمامه ساده و بدون زره جنگید و پس از افتادن از اسب، فریاد «عموجان!» سر داد. امام مانند باز شکاری به بالینش رسید و سر او را در دامن گرفت. این صحنه بی‌نظیر، تا ابد ماندگار است.

استعداد شبیه‌پذیری حادثه کربلا

گویی هر صحنه برای نمایش یک پیام اخلاقی طراحی شده است:

- حرکت از مدینه ← مهاجرت فی سبیل‌الله.
- اقامت در مکه ← اعلام مخالفت.
- خروج در روز ترویه ← تقدیم جهاد بر حج ظاهری.
- همراهی خاندان ← همراهی خانواده در راه هدف.
- وفاداری اصحاب ← حماسه و ایثار.
- وداع با قاسم ← عاطفه انسانی در کنار عشق به شهادت.
- شهادت طفل شیرخوار ← مظلومیت بی‌نهایت.
- ورود اسرا به شام ← ادامه جهاد تبلیغی.

رنگ خون؛ ثابت‌ترین پیام تاریخ

امام از همه ابزارهای مشروع برای ماندگاری پیام استفاده کرد:

- خطبه‌های آتشین (تبلیغ لفظی).
- رفتار جوانمردانه با دشمن (تبلیغ عملی).
- همراه کردن خاندان (تبلیغ استمراری).
- شهادت عزیزان (تبلیغ عاطفی و خونین).

این ابزارها در کنار هم، پیام جاودان را بر صفحه دل‌ها نقش زدند. امروز پس از ۱۴ قرن، هر محرم این نمایش عظیم تاریخی بار دیگر زنده می‌شود و پیام حسین (ع) را به نسل‌های نو منتقل می‌کند.

جمع‌بندی نهایی

امام حسین (ع) با اسلوب فوق‌العاده تبلیغی، نهضت خود را به نمایشی جاودان تبدیل کرد. او از همه ابزارهای مشروع (خطابه، رفتار اخلاقی، همراه کردن خاندان، استفاده از خون، صحنه‌آرایی نمایشی) برای رساندن پیامش بهره برد. او می‌دانست برای ماندگاری پیام، باید آن را با رنگ خون بنویسد - و چنین کرد. امروز وظیفه ماست که از این اسلوب والا درس بگیریم و پیام عاشورا را با روش‌های نوین و مشروع به جهانیان برسانیم. همان‌گونه که حسین (ع) با خون خود پیام را بر دل‌ها نوشت، ما نیز باید با قلم ایمان و عمل صالح این پیام را زنده نگه داریم.

فصل هفتم: عنصر تبلیغ در نهضت حسینی (بخش سوم) - جامعیت اسلام در عاشورا

حادثه کربلا؛ تجسم زنده اسلام

عاشورا، اسلامی مجسم و زنده است که تمام معارف، اخلاق، احکام و روح اسلام را در قالب عملی و عینی به نمایش می‌گذارد. در این صحنه، همه طبقات و نژادها نقش دارند: مرد و زن، پیر و جوان، سفید و سیاه، عرب و غیرعرب، غنی و فقیر. این تنوع، نشان می‌دهد اسلام دینی جهانی و فراگیر است.

برداشت‌های مختلف از عاشورا (هر کدام عضوی از پیکر عظیم آن):

- کمیت و دعبل: جنبه پرخاشگرانه.
- محتشم کاشانی: جنبه گریه‌آور و رقت‌انگیز.
- عرفا: جنبه عرفانی و پاک‌باختگی.
- اقبال لاهوری: جنبه حماسی و بیدارگرانه.

حقیقت عاشورا، مجموعه همه این ابعاد است.

جنبه‌های مختلف حادثه عاشورا

۱. جنبه توحیدی و عرفانی

امام حسین (ع) فرمود: «رَضِيَ اللَّهُ رِضَانَا» (ما همان را می‌پسندیم که خدا پسندیده). در شب عاشورا، با خدا راز و نیاز و قرآن می‌خواند و در روز، با جراحت و تشنگی، نماز خوف می‌خواند و در سجده می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ...». امام صادق (ع) سوره «الفجر» را «سوره جدّ ما حسین» معرفی کرده که با «النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» بر روح مطمئن او تطبیق می‌کند.

۲. جنبه حماسه و پرخاشگری

امام در برابر ظلم جبارانه، عصیانگر است و هرگز زیر بار ذلت نمی‌رود: «هَيَّاهُتَ مِنَّا الذِّلَّةُ» و «الْمَوْتُ أَوْلَى مِنْ رُكُوبِ الْعَارِ». ابن‌ابی‌الحدید او را «سَيِّدُ الْأَبَاءِ» (سالار سرانجام‌ندادگان به ذلت) نامیده است.

۳. جنبه وعظ و اندرزگویی

حسین (ع) خیرخواه دلسوز است که حتی از سرنوشت دشمنان ناراحت است. در روز عاشورا، با لباس پیامبر (ص) به میان لشکر دشمن می‌رود تا آخرین اتمام حجت را انجام دهد و شاید یک نفر را هدایت کند: «حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ».

۴. جنبه اخلاقی (مروت، ایثار و مساوات)

- مروت: در اوج دشمنی، به سربازان تشنه دشمن آب می‌دهد و هرگز آغازگر جنگ نمی‌شود.
- ایثار: ابوالفضل (ع) با لب تشنه، آب را به لب می‌رساند و یاد تشنگی برادر می‌کند و می‌ریزد. مجروحان، آب را به یکدیگر هدیه می‌کنند تا همه شهید شوند و آبی نوشیده نشود.
- مساوات: امام بر بالین جون (غلام سیاه آزادشده) حاضر می‌شود و دعا می‌کند: «خدایا! چهره‌اش را سفید گردان.» و با غلام رومی وداع می‌کند. این، تجلّی مساوات اسلامی است که ملاک فقط تقوا و ایمان است.

نقش زن در تاریخ عاشورا؛ مذکر - مؤنث، نه مختلط

اسلام، حضور زن را در مدار خود می‌پسندد: نه محدودیت مطلق و نه اختلاط بی‌حساب.

سه گونه نقش مستقیم زن در عاشورا:

۱. زنان شهید و رزمنده: زن عبدالله بن عمیر کلبی که پس از شهادت شوهر، با عمود خیمه به دشمن حمله کرد.
۲. نقش مادری فداکار: مادران شهدا، فرزندان را با افتخار به میدان فرستادند و پس از شهادت، خدا را شکر کردند.
۳. نقش تبلیغی زینب (س): او با حفظ کامل حیا، عفاف و حجاب، کاروان اسرا را رهبری کرد. در ورودی کوفه با خطبه‌ای فصیح، هیاهوی دشمن را خاموش کرد؛ چنان که گویی علی (ع) از دهان دخترش سخن می‌گوید. او پیام عاشورا را تا قلب حکومت اموی (شام) رساند و تاریخ حماسه را برای همیشه ماندگار کرد.

شرایط پیام‌رسان الهی

برای موفقیت پیام، چهار شرط لازم است:

۱. حقانیت محتوا (در اسلام کامل).
۲. اسلوب صحیح (در عاشورا بی‌نظیر).
۳. وسایل مشروع (از خطابه تا خون).
۴. شخصیت پیام‌رسان (مهم‌ترین شرط).

متأسفانه مقام «مبلغ» در جامعه ما تنزل یافته؛ در صدر اسلام، خطیبانی چون خطیب بغدادی و فخرالدین رازی در علوم مختلف (فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، طب، نجوم) سرآمد بودند.

ویژگی‌های مبلغ واقعی:

- آگاهی عمیق از قرآن، حدیث، تاریخ و نیازهای زمانه.
- خلوص نیت و پرهیز از غرض دنیوی.
- تقوا و خودسازی (تأثیر گفتار به پاکی درون گوینده بستگی دارد).
- شجاعت بیان و بی‌باکی در برابر قدرت‌های باطل.
- نرم‌خویی و مهربانی با مردم (چنانکه خدا به موسی فرمود: با فرعون نرم سخن بگویند).

امام حسین (ع) کامل‌ترین مصداق این شرایط است: عالم، عابد، شجاع، مهربان و مخلص.

جمع‌بندی نهایی

کربلا، اسلامی مجسم با تمام ابعاد (توحید، اخلاق، حماسه، عرفان، عدالت و جهاد تبلیغی) است. با حضور همه طبقات و نژادها و نقش‌آفرینی مذکر و مؤنث در مدار خود، الگویی کامل برای همه دوران‌ها ارائه می‌دهد.

زینب (س) و دیگر زنان کربلا ثابت کردند زن مسلمان با حفظ حیا، عفاف و حریم خود، می‌تواند در بزرگ‌ترین صحنه‌های تاریخ نقش‌آفرین باشد؛ این همان «شخص گرانبهای مؤنث» است که اسلام برای او عزت می‌خواهد، نه ابتذال.

عاشورا می‌آموزد که پیام‌رسان الهی باید از هر نظر (علم، تقوا، شجاعت، مهربانی و خلوص) کامل باشد. امروز برای احیای این پیام، به مبلغانی آگاه، پاک و فداکار نیازمندیم که چون حسین (ع) و زینب (س)، با خون دل بر منبر ایثار و تبلیغ قامت ببندند.

فصل هفتم: عنصر تبلیغ در نهضت حسینی (بخش چهارم) - شرایط مبلغ و تأثیر تبلیغی اهل بیت در اسارت

جایگاه والای مقام تبلیغ در اسلام

متأسفانه در جامعه کنونی، مقام «مبلغ» تنزل یافته و بسیاری گمان می‌کنند هرکسی با صدای خوش و چند روضه سطحی می‌تواند منبر برود؛ در حالی که در صدر اسلام، مقام «خطیب» هم‌پایه مرجعیت تقلید بود. خطیبانی چون خطیب بغدادی، خطیب تبریزی و فخرالدین رازی، دریایی از علوم (فقه، حدیث، تفسیر، فلسفه، طب، نجوم) بودند و با علم و تقوا تبلیغ می‌کردند. این تنزل باعث شده کار تبلیغ به دست افراد بی‌سواد بیفتد و پیام حقیقی اسلام به درستی منتقل نشود.

شرایط چهارگانه موفقیت یک پیام

۱. حقانیت محتوا

پیام باید با عقل، فطرت و نیازهای واقعی انسان هماهنگ باشد. اسلام به‌خاطر همین حقانیت ذاتی، حتی با ضعف ابزارهای تبلیغاتی، میلیون‌ها نفر را جذب کرده است.

۲. روش و اسلوب صحیح

پیام باید با روشی درست، زیبا و مؤثر ارائه شود؛ چنانکه قرآن با فصاحت و بلاغت دلها را تسخیر می‌کند. پیامبران با نرم‌خویی، تواضع و بیان روشن مردم را دعوت می‌کردند.

۳. وسایل مشروع

ابزارهای مدرن (بلندگو، تلویزیون، اینترنت) فی‌نفسه نه حرام‌اند و نه حلال؛ محتوای منتقل‌شده تعیین‌کننده حکم است. جمود در برابر وسایل نوین، خلاف سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) است.

۴. شخصیت پیام‌رسان (مهم‌ترین شرط)

مبلغ واقعی باید:

- اسلام را به‌عنوان مکتبی کامل بشناسد (توحید، معاد، اخلاق، فقه، سیاست، اقتصاد).
- مهارت در استفاده از وسایل تبلیغ داشته باشد.
- سخنوری و قدرت بیان داشته باشد (چنانکه موسی (ع) از خدا خواست گره از زبانش بگشاید).
- شرح صدر و تحمل سختی داشته باشد (قرآن به پیامبر فرمود: «به‌زودی سخنی سنگین بر تو القا می‌کنیم»).
- همکار و معاون داشته باشد (موسی (ع) هارون را وزیر خود خواست و پیامبر (ص) علی (ع) را به‌عنوان معاون خود معرفی کرد).

تأثیر تبلیغی اهل‌بیت (ع) در دوران اسارت

پس از شهادت، کاروان اسرای اهل‌بیت به‌عنوان گروه تبلیغی فعال، در هر مرحله (کربلا، کوفه، شام، مدینه) با خطبه‌های آتشین، جنایت بنی‌امیه را رسوا کردند.

۱. خطبه زینب (س) در کوفه؛ رسوایی ابن‌زیاد

ابن‌زیاد در مسجد کوفه با لباس مقدس‌مآبی، مدعی شد خداوند «حقیقت» را با او پیروز کرده است. زینب (س) فرمود: «إِنَّمَا يَفْضَحُ الْفَاسِقَ وَ يَكْذِبُ الْفَاجِرُ» (رسواکننده، فاسق است و دروغگو، فاجر). او ثابت کرد معیار عزت، حقانیت است، نه پیروزی نظامی.

۲. خطبه امام سجاد (ع)؛ رد منطق جبرگرایی

ابن‌زیاد برای توجیه جنایت، گفت: «آیا خدا علی‌بن‌الحسین را نکشت؟» (تقدیر الهی!). امام سجاد (ع) پاسخ داد: «كَانَ لِي أَخٌ... قَتَلَهُ النَّاسُ» (برادرم را مردم کشتند) و مسئولیت انسان را اثبات کرد. ابن‌زیاد دستور قتل امام را داد، اما زینب (س) فرمود: «وَاللَّهِ لَا تُقْتَلُونَهُ حَتَّى تُقْتَلُونِي مَعَهُ» (نمی‌توانید او را بکشید مگر ابتدا مرا بکشید) و او را عقب‌نشینی داد.

مبارزه با دو آفت بزرگ تبلیغ

۱. آفت جبرگرایی

دشمنان با این منطق، جنایات خود را توجیه می‌کنند. قرآن بر مسؤولیت انسان تأکید دارد و اهل بیت (ع) این پرده دروغ را دریدند.

۲. آفت شناختن دشمن

بنی‌امیه با پول، تهدید و تبلیغات دروغین، چهره خود را به‌عنوان «مسلمانان راستین» جا زدند. شناخت و افشای دشمن، وظیفه مهم مبلغان است.

درس‌هایی برای امروز

۱. احیای مقام والای تبلیغ با گماردن افراد وارسته، عالم و متعهد.
۲. مبارزه با جبرگرایی و پذیرش مسؤولیت برای تغییر اوضاع.
۳. شناخت دشمن و افشای توطئه‌های تحریف‌آمیز.
۴. الگوگیری از اهل بیت (ع) که در سخت‌ترین شرایط (اسارت، شکنجه) از رسالت تبلیغی دست نکشیدند.

جمع‌بندی نهایی

نهضت حسینی، افزون بر ابعاد حماسی، عرفانی و اخلاقی، یک نهضت تبلیغی عظیم بود. اهل بیت (ع) پس از عاشورا با خطبه‌های آتشین، دستگاه اموی را رسوا و مکتب حسینی را برای همیشه تثبیت کردند. امروز به مبلغانی نیاز داریم که:

- از علم و آگاهی کافی برخوردار باشند.
- به روش‌های نوین تبلیغ مسلط باشند.
- شجاعت بیان داشته باشند.
- در برابر ظلم و فساد سکوت نکنند و از اهل بیت (ع) درس ایستادگی بیاموزند.

وظیفه تبلیغ، تنها بر عهده عالمان نیست؛ بلکه هر مسلمان آگاه، در حد توان خود، مسؤول رساندن پیام الهی است. این، میراث گران‌بهای عاشورا است که باید تا ابد زنده نگه داشته شود.